# باب پنجاه و دوّم

در نهی از دخالت در سياست

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"ليس لأحد ان يعترض علی الّذين يحکمون علی العباد دعوا لهم ما عندهم و توجّهوا الی القلوب." (بند ۹۵)

و در لوح ذبيح ميفرمايند:

"لسان قدم در اين سجن اعظم ميفرمايد ای احبّای حقّ از مفازه**[[1]](#footnote-1)** ضيّقه**[[2]](#footnote-2)** نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احديّه توجّه نمائيد ابدا در امور دنيا و ما يتعلّق بها و رؤسای ظاهره آن تکلّم جائز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنايت فرموده بر احدی جائز نه که ارتکاب نمايد امريرا که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده و احبّای حقّ اليوم بمنزله مفاتيحند انشاء اللّه بايد کلّ بقوّه اسم اعظم آن ابواب را بگشايند. اين است نصرت حقّ که در جميع زبر و الواح از قلم فالق الأصباح جاری شده."

و در کتاب اقدس ميفرمايند خطابا بالملوک قوله تعالی:

"تاللّه لا نريد ان نتصرّف فی ممالککم بل جئنا لتصرّف القلوب انّها لمنظر البهآء يشهد بذلک ملکوت الأسمآء لو انتم تفقهون." (بند ۸۳)

بيانات مبارکه در اينخصوص بسيار است برای مزيد اطّلاع بلوح نصرت و لوح خليل و لوح سلطان ايران و کتاب عهدی و کلمات مکنونه و هزاران الواح ديگر مراجعه شود.

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در ضمن الواح مبارک وصايا ميفرمايند قوله العزيز:

"ای احبّای الهی بايد سرير سلطنت هر تاجدار عادلی را خاضع گرديد و سدّه ملوکانه هر شهريار کامل را خاشع شويد. بپادشاهان در نهايت صداقت و امانت خدمت نمائيد و مطيع و خيرخواه باشيد و در امور سياسی بدون اذن و اجازه از ايشان مداخله ننمائيد زيرا خيانت با هر پادشاه عادلی خيانت با خداست هذه نصيحة منّی و فرض عليکم من عند اللّه فطوبی للعاملين. ع‌ع"

و در لوح ابن ابهر ميفرمايند قوله العزيز:

"احبّای الهی را کاری باختلاف و اتّفاق اوليای امور نه ابدا چنين اذکار را حتّی بر زبان نبايد برانند. تکليف احبّای الهی اطاعت اوامر و احکام اعليحضرت پادشاهی است آنچه امر فرمايد اطاعت کنند و همچنين کمال تمکين و انقياد بجميع اوليای امور داشته باشند. ولی در بين آنان اگر برودتی حاصل چه تعلّق باحبّای الهی دارد "حافظ وظيفه تو دعا گفتن است و بس". مقصود اين است که احبّاء نبايد کلمه‌ای از امور سياسی بر زبان رانند زيرا تعلّق بايشان ندارد بلکه بامور و خدمات خويش مشغول شوند و بس. در فکر آن باشند که بخدا نزديک شوند و برضای الهی قيام نمايند و سبب راحت و آسايش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبّاء ذکری از امور حکومت و دولت نمايد که فلان چنين گفته و فلان چنين کرده آن شخص که از احبّای الهی است بايد در جواب گويد ما را تعلّق باين امور نه ما رعيّت شهرياری هستيم و در تحت حمايت اعليحضرت پادشاهی. صلاح و مصلحت خويش خسروان دانند و بس .... علی الخصوص که بنصّ قاطع الهی ممنوع از مداخله و محاوره در امور حکومتيم. شما اينمطلب را بجميع احبّاء تفهيم و توضيح نمائيد... بکلّی اينگونه امور مباين رضای ربّ غفور است."

و نيز در لوح ابن ابهر ميفرمايند قوله العزيز:

"نفسی از احبّاء اگر بخواهد در امور سياسيّه در منزل خويش يا محفل ديگران مذاکره بکند اوّل بهتر است که نسبت خود را از اين امر قطع نمايد و جميع بدانند که تعلّق باين امر ندارد خود ميداند."

و در لوح ابن اصدق از قلم ميثاق نازل قوله تعالی:

"ميزان بهائی بودن و نبودن اين است که هر کسی در امور سياسيّه مداخله کند و خارج از وظيفه خويش حرفی زند يا حرکتی نمايد همين برهان کافيست که بهائی نيست دليل ديگر نميخواهد."

و در لوح فرائض محفل شور ميفرمايند قوله العزيز:

"ابدا در مجلس شور از امور سياسيّه دم نزنند بلکه جميع مذاکرات در مصالح کليّه و جزئيّه اصلاح احوال و تحسين اخلاق و تربيت اطفال و محافظه عموم از جميع جهات باشند. و اگر چنانچه نفسی بخواهد کلمه‌ای از تصرّفات حکومت و اعتراضی بر اوليای امور نمايد ديگران موافقت ننمايند زيرا امرالله را قطعيّا تعلّق بامور سياسيّه نبوده و نيست. امور سياسيّه راجع باوليای امور است چه تعلّقی بنفوسی دارد که بايد در تنظيم حال و اخلاق و تشويق بر کمالات کوشند. باری هيچ نفسی نبايد که از تکليف خود خارج شود. ع‌ع .... الی قوله العزيز: "خامسا منع عموم از آنچه سبب فتنه و فساد و عدم مداخله در امور سياسيّه بالکلّيّه و عدم مکالمه در اين خصوص ولو بشقّ شفه و دلالت بر تمکين در جميع احوال و سکون و محبّت و دوستی با عموم."

در اينخصوص نيز تأکيد بسيار در الواح مبارکه نازل شده که احصای آن از عهده بيرونست.

1. مفازه: بيابان خشک [↑](#footnote-ref-1)
2. ضيّقه: تنگ [↑](#footnote-ref-2)